

باسمه تعالی

## سالنمای دین و دین‌داری ۱۳۹۹

مصاحبه مرکز پژوهشی مبنا با سید حسین شرف‌الدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، در خصوص وضعیت دین و دین‌داری در ایران معاصر، ۹۹/۷/۲۶

### مقدمه

مرکز پژوهشی مبنا در سال ۱۳۹۸، سالنمای دین و دین‌داری در ایران را منتشر کرد. این پژوهش که بیشتر ناظر به میزان دین‌داری ایرانیان در ده سال اخیر بود، با ترسیم روند تقریبی دین‌داری ایرانیان در ابعاد پنج‌گانه دین‌داری، کوشید، چشم‌اندازی از آینده دین‌داری در ایران را ترسیم کند. در این پژوهش علاوه بر تحلیل چالش‌های دین‌داری و وضعیت گروه‌ها و اقلیت‌های دینی، تلاش شد با مصاحبه‌های نخبگی، راهکارهایی برای تحلیل و بهبود وضعیت دین‌داری ارائه شود.

مرکز پژوهشی مبنا در سال ۱۳۹۹ بر آن است، در سال جاری در ادامه پژوهش سال گذشته، دین‌داری ایرانیان را گونه‌شناسی کرده و چالش‌های آنها را تحلیل کند. همچنین می‌کوشد وضعیت فعلی و آینده دین‌داری ایرانیان را از معبر پژوهش‌ها و نظرات نخبگی تحلیل کند؛ از این‌رو پرسش‌های ذیل برای مصاحبه با نخبگان و اساتید مرتبط با موضوع طراحی شده است تا گره‌گشای پرسش‌های این پژوهش باشد. گفتنی است مصاحبه‌های این پژوهش به صورت نیمه ساختاریافته است که تحلیل ساختاری خواهند شد.

### ۱) دین‌داری ایرانیان را چگونه گونه‌شناسی می‌کنید و گونه غالب دین‌داری به نظر تان کدام است؟

پژوهشگرانی که با رویکرد جامعه‌شناختی به مطالعه دین‌داری (دین در مقام تحقق / فرهنگ دینی) جامعه ایران معاصر پرداخته‌اند، تاکنون از گونه‌های متعددی سخن گفته‌اند. این گونه‌ها هرچند به لحاظ عینی و تحقیقی درهم آمیخته، ترکیبی و انضمامی‌اند، اما به لحاظ ذهنی، مفهومی و انتزاعی، تجزیه پذیر و تفکیک‌شدنی‌اند. با الهام از مفهوم تیپ ایده آل وبری (ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی)، تفکیک این گونه‌ها با مختصات ویژه را می‌توان امری صرفاً ذهنی و تیپ ایده آلی (Ideal type) تصور کرد تا امری عینی و واقعی. برای نمونه به برخی از جامع‌ترین‌های آنها اشاره می‌کنم: ۱) دین‌داری تکلیف‌گرا (مناسکی و شعائری)؛ ۲) دین‌داری عقل‌گرا (عقلی و فلسفی)؛ ۳) دین‌داری معنویت‌گرا (عرفانی و شهودی)؛ ۴) دین‌داری اخلاق‌گرا (اخلاقی)؛ ۵) دین‌داری عاطفه

گرا(ولایی). گونه دیگری که باز به زعم من از جامعیت نسبی برخوردار است، گونه ذیل است: (۱) دین داری وظیفه گرا یا تعبدی (شریعتی، مناسکی، رفتاری)؛ (۲) دین داری عرفی (سستی، عوامانه یا عامیانه)؛ (۳) دین داری باورمدار (اعتقادی، معرفت گرا، کلامی)؛ (۴) دین داری عقلانی (عقل گرا، علم گرا، استدلالی و منطقی)؛ (۵) دین داری عرفانی (تجربی، شهودی، معنوی، تصوفی)؛ (۶) دین داری روشنفکرانه (سکولار، کلامی، تقلیل گرا و انتقادی)؛ (۷) دین داری اخلاق گرا (هنجاری، عمل گرا، رفتارگرا)؛ (۸) دین داری توسلی (تولی گرا، محبتی، ولایی، اهل بیتی). گونه غالب ظاهرا دینداری تکلیف گرا و مناسکی است که با دینداری عرفی و سستی در آمیختگی وثیقی دارد. احتمالا مدل هایی از نوع زیر که به واکاوی ابعاد دینداری عطف توجه دارند، برای مطالعه وضعیت واقعی دینداری در ایران صراحت و روایی بیشتری دارند: (۱) بعد اعتقادی (متضمن اعتقاد به مجموعه ای از اصول و فروع)؛ (۲) بعد عاطفی (متضمن تجربه دینی، علقه دینی، هویت دینی)؛ (۳) بعد رفتاری (متضمن اخلاقیات (شامل ارزش های ایجابی و سلبی یا بایدها و نبایدها)، شرعیات (شامل واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات و احیانا مباحات)، عبادیات (نیایش ها، مناسک، شعائر و آیین های عبادی واجب و مستحب؛ فردی و جمعی). مدل دیگری که با مدل فوق مشابهت حداکثری دارد، تقسیم ابعاد دینداری به اعتقادی، عاطفی، دانشی (معلومات دینی)، اخلاقی (اخلاقیات)، شرعی (شرعیات) و عبادی (عبادات) است. مدل های دیگر نیز در سال های اخیر از سوی پژوهشگران این عرصه عرضه شده که ضرورتی به ذکر آنها نیست.

گفتنی است که وضعیت و کیفیت این ابعاد در طول سالهای مختلف بعد از انقلاب همواره و تحت تاثیر عوامل مختلف محیطی در نوسان بوده است: بعد اعتقادی دین در سالهای اخیر تحت تاثیر رویکردهای انتقادی به سمت دینداری روشنفکرانه میل کرده است؛ بعد عاطفی، احساسی و معنوی دین عمدتا تحت تاثیر موقعیت یابی بلامنازع مداحان، رونق یابی هیئات و مراسمات عزاداری، فعالیت گروههای معنویت گرا و نیز تجربه بحرانهای پایان ناپذیر اجتماعی غلظت و شدت روزافزونی یافته است؛ بعد اخلاقی و میزان التزام عموم به رعایت ارزش های اخلاقی مورد تایید دین به شهادت برخی مطالعات افت محسوسی داشته تا جایی که برخی از آن به بحران اخلاقی یاد کرده اند؛ بعد عبادی در برخی مناسک مثل نمازهای جماعت و جمعه، مجالس دعا و نیایش جمعی، روزه داری کاستی غیر منتظره ای مشاهده می شود اما در مقابل در برخی مناسک، مثل عزاداریها، اعیاد مذهبی، مراسم اعتکاف، زیارت عتبات، حج و عمره، راه پیمایی اربعین روند روبه رشد به لحاظ کمی و کیفی تجربه می کند؛ در بعد شرعیات، تغییر محسوسی مشاهده نمی شود اگر چه برخی محققان با استناد به آمار فزاینده گونه های مختلف آسیب ها و انحرافات اجتماعی، روند ترک واجبات و ارتکاب محرمات را در گستره جامعه روبه رشد ارزیابی می کنند. بعد

دانشی و سواد دینی نیز به دلیل گسترش زمینه ها، امکانات و انگیزه های آموزش تعلیمات دینی، کما و کیف در حال افزایش است. در هر حال، قضاوت نهایی در این خصوص منوط به مطالعه دقیق وضعیت های جاری زیست جهان روزمره و میدانهای کنش جمعی است.

## ۲) چه عواملی در تضعیف یا تقویت این گونه ها اثرگذارند؟

ابتدا باید عرض کنم که تقسیم دو گانه عوامل موثرتحت عنوان عوامل تضعیف کننده یا تقویت کننده گونه های مختلف دینداری به دلیل چند وجهی بودن برخی عوامل، چندان دقیق نیست. چه یک عامل (مثل صدارت یابی فقه) ممکن است برای یک مدل مثل مناسک گرایایی عامل تقویت کننده و برای مدل معنویت گرا و عرفانی عامل تضعیف کننده تلقی شود. به طور کلی، عوامل تضعیف کننده و تقویت کننده دینداری جامعه ایران معاصر را می توان در موارد کلی ذیل دسته بندی نمود:

عوامل تضعیف کننده: غلبه و نفوذ مدرنیته، فرایند جهانی شدن، ارتباطات میان فرهنگی کشور با جهان، غلبه و نفوذ گسترده رسانه های جمعی و اجتماعی جهان گستر (ماهواره ها، اینترنت و شبکه های اجتماعی)، سکولاریسم و روند سکولاریزاسیون پنهان، رشد فزاینده معنویت های نوظهور، تهاجم فرهنگی گسترده دشمن، رواج تلقی های پراگماتیستی و کارکردگرایانه از دین و دینداری، رشد کثرت گرایی و پلورالیسم دینی، کاهش عقل گرایی انتقادی، رشد تلقی های روشنفکرانه و تقلیل گرا از آموزه ها، احکام و رسالت دین، تنوع یابی ذائقه ها و سلاقی دین گرا، حکومتی شدن دین و پیوند وثیق میان دین و سیاست، رسمیت یافتن برخی قرائت ها از دین و تقابل با سایر قرائت ها، ورود روحانیت به مناصب حکومتی، دخالت حاکمیت و نهادهای مربوط در فرایندهای دین داری و فرهنگ دینی، تعدد سازمانهای متولی امور دینداری با عملکردهای سلیقه ای، موازی کاری این سازمانها، لجام گسیختگی نظام تبلیغات دینی، شخص محور بودن نظام تبلیغات دینی به جای نهادمحوری، گسترش جریانات ضد تبلیغی مخالفان با بهره گیری از رسانه ها، ضعف های عملی رسانه ملی، بروز شکاف آشکار میان جریانات رسمی و غیر رسمی تبلیغات دینی، کم رغبتی اکثر طلاب به مشارکت در فعالیت های تبلیغی (نوع سنتی تبلیغ)، ضعف فاحش در بهره گیری از ابزارهای نوین تبلیغی، رواج گسترده شبهات، رونق مناسک گرایی (و به نوعی تقلیل دین به مجموعه ای مناسک و مراسم)، کاهش موقعیت و نفوذ کلمه روحانیت، کاهش موقعیت مراجع تقلید، مداح محوری و رونق یابی بیش از حد اقتدار مداحان، استفاده از سبک های مبتذل و تقلیدی توسط مداحان، غلبه

صورت گرایی و فرم گرایی بر محتواگرایی، دامن زدن برخی جریانات به روابط مرید و مرادی، تبدیل منابع و مداحی ها به وسیله ای برای کسب درآمد و اعتبار اجتماعی، رواج روزافزون خرافات و بدعت ها (طالع بینی، رمالی، کف بینی، دعانویسی، فال گیری، طلسم شکنی، قمه زنی و...)، طرح آشکارمطالب سخیف و غیرمستند در تریبونها، اصالت یابی گریه و شیون در عزاداریهای مذهبی، ترغیب به سینه زنی ها و زنجیرزنی های غیرمتعارف، ترغیب به کنش های نفرت انگیز و واگرایانه، تقویت بعد کارناوالی دین، ضعف فرهنگ گفت و گو در جامعه ایران، کاهش فرهنگ مطالعه در سطح توده ها، تمایل روزافزون به شخصی شدن دینداری و درونی شدن آن، رشد خود اجتهادی و کاهش تمایل به تقلید، ضعف عملکرد نظام، عدم وفای مسئولان به وعده های داده شده، فساد ساختاری گسترده، ظهور پدیده آقازادگی، رواج درجات آشکاری از اشرافیت و دنیاگرایی در سطوح بالای مسئولان، انسداد نسبی و عدم چرخش نخبه گان در حوزه سیاسی، جناح بندی سیاسی روحانیت، ظهور انحراف در برخی گروههای مرجع دارای اعتبار اجتماعی، عدم اصلاح قوانین و ساختارها متناسب با انتظارات، کم کاری نظام بروکراسی کشور، رشد کمیت گرایی به جای کیفیت گرایی در بخش های اداری و سازمانی، اصرار بر رواج برخی ارزشها و هنجارهای دینی و غفلت از سایرین (مثل حجاب)، افراط در سوکواریها و عزاداری های مذهبی و کم توجهی به اعیاد و مناسبت های شادی آفرین، تقابل افکنی مصنوعی میان برخی سنت های ملی و دینی (مثل چهارشنبه سوری)، ضعف توجه به نیازهای فراغتی و تفریحی توده ها، رشد روزافزون ولننگاری فرهنگی، میل افراطی به خوش گذرانی و تفریح در میان کلان شهرنشینان، ضعف توان روحانیت در گفتمان سازی جدید متناسب با شرایط موجود، ضعف توان در پاسخ گویی به نیازها و مطالبات عصری، ضعف توجه نظام به حقوق اقلیت های مذهبی بویژه اهل سنت، دامن زدن برخی جریانات افراطی به اختلافات تاریخی - کلامی شیعه و سنی، برخورد های سخت گیرانه با برخی فرقه های صوفیه و دراویش، فعالیت های گسترده گروههای مذهبی ناهمسو با انقلاب، ضعف توجه به برخی آرمانهای انقلاب همچون عدالت اجتماعی، نامشخص بودن استراتژیها و سیاست های کلان نظام بویژه در حوزه های فرهنگی، پوپولیستی شدن نهادهای سیاسی و دینی، ضعف بهره گیری از کارشناسان و متخصصان در هر بخش، ضعف نظارت کیفی بر روند اجرای امور و اقدامات جاری و فقدان ارزیابی مستمر، فریبهی شدن بیش از حد نهاد قدرت و دخالت در همه چیز، استفاده ابزاری سیاست از دین، موقعیت یابی گسترده سلبریت ها و تبدیل آنها به گروههای مرجع جوانان، عدم توزیع بهینه امکانات موجود کشور، تحریم های ظالمانه دشمنان، تشدیدفاصله های طبقاتی، رواج گسترده و روزافزون بیکاری، گستره مداوم سپهر فقر اقتصادی و رشد کمی دهک های ضعیف، کاهش ارزش پول ملی، نوسانات غیرقابل پیش بینی روندهای اقتصادی، گرانی لجام گسیخته و کمرشکن، خروج سرمایه ها از کشور، ورود بی رویه کالای قاچاق به کشور و تعطیلی گسترده

مراکز تولیدی، مهاجرت گسترده نخبه گان از کشور، بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی رویه طلاق، گسست میان نسلی، شیوع تفکرات فمینیستی، اعتقاد برخی گروههای مذهبی به ناکارآمدی نظام اسلامی در مدیریت کشور و...

عوامل تقویت کننده: انقلاب اسلامی با ظرفیت های عظیم فعلیت نیافته، رهبری ولایی و مقتدر، همراهی مراجع تقلید، جنگ تحمیلی (و احیای فرهنگ ایثار و شهادت)، رسانه ملی (بویژه با عطف توجه به ظرفیت های بالای آن برای خشتی سازی توطئه های دشمنان، نشر فرهنگ اسلام و انقلاب، دفاع از کیان نظام اسلامی، جریان سازی، مناسک سازی)، نفوذ روحانیت در مراکز فرهنگی و آموزشی، اهتمام بخش قابل توجهی از روحانیت به تبلیغات سنتی، توان نسبی فضایی جوان حوزه در بهره گیری از رسانه های مدرن در تبلیغات دینی، ارتقای کیفی دروس خارج فقه حوزه، توجه به ابعاد تقنینی فقه، تخصصی شدن رشته های مختلف علوم دینی در حوزه ها، اصلاح نظام مدیریت حوزه، جدایی تدریجی حوزه ها از وابستگی به نهادهای دولتی، نقد مستمر سیاست های اجرایی نظام و عملکرد مسئولان در عین تایید اساس نظام، تلاش های قوه قضائیه در مبارزه با فساد اداری در مظاهر مختلف آن، رونق یابی هیئات مذهبی و مراسمات (بویژه سوکوارهای محرم و صفر به عنوان یک ظرفیت بسیار پرتوان در ایجاد همبستگی میان نیروهای مذهبی)، رونق یابی مراسم حج و عمره (با الگوی ابراهیمی آن به عنوان میراث امام راحل)، اشتیاق وافر به زیارت عتبات، مراسم سالانه اعتکاف، راه پیمایی اربعین، نمازهای جماعت و جمعه، عشق و ولای اهل بیت (ع)، همنوایی اقوام مختلف ایرانی با انقلاب و آرمانهای آن، جمعیت بالای جوان کشور (که در عین فرصت، تهدید هم می تواند باشد)، خیل عظیم نیروهای ارزشی تحصیل کرده و متعهد، تلاش های مراکز علمی برای اسلامی سازی علوم انسانی یا تولید علوم انسانی اسلامی، پذیرش درجاتی از انعطاف در دین داری با عطف توجه به مقتضیات زمان و مکان، انعطاف لازم برای پذیرش درجاتی از تکثر در گروهها و جریانات دینی، رشد کیفی جریان تبلیغ دین با توجه به نیازهای روز، توجه به نیازهای معنوی اقشار مختلف، توجه به اصلاح ساختار اداری نظام در جهت پاسخ دهی به نیازها، تقویت روزافزون دولت الکترونیک و مهار تدریجی فساد اداری، درس آموزی از شکست های جوامع سکولار غربی به دلیل بی اعتنایی به دین و معنویت، رشد فزاینده باسوادی در کشور و اشتیاق عموم به مطالعه یا استفاده از محصولات رسانه ای عرضه شده، خدمات نوع دوستانه خیران به انگیزه های دینی برای کاهش فقر و رفع برخی کمبودها،

گفتنی است که گستره جهانی کرونا نیز از جهاتی موجب تقویت و از جهاتی مایه تضعیف باورهای مذهبی و برخی گونه های دینداری شده است که بررسی تفصیلی آن، مجالی واسعی می طلبد.

### ۳) فراز یا فرود هر کدام از گونه‌های دین‌داری چه چالش‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی ایجاد می‌کند؟

تردیدی نیست که فرازو فرودهای گونه‌های مختلف دینداری در طول زمان و تحت تاثیر شرایط درونی یا اوضاع بیرونی بالقوه و با واسطه می‌تواند چالش‌هایی را در قلمروهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی موجب شود. برای مثال، فراز برخی گونه‌ها مثل رفتارگرایی مناسکی یا عاطفه‌گرایی هیجانی ولایی، بالقوه به فرود موضع عقل‌گرایی و مواجهه منطقی با عقاید و آموزه‌های دین منجر می‌شود و این خود بستر لازم برای رویش و گسترش خرافات را در سطوح اعتقادی و رفتاری فراهم می‌سازد؛ فراز دینداری عرفانی و معنویت‌گرا بویژه از نوع صوفیانه آن به تقویت دینداری شخصی و در نهایت تضعیف همبستگی و یکپارچگی اجتماعی منجر می‌شود؛ فراز دینداری روشنفکرانه و سکولار علاوه بر تقلیل دین به مجموعه‌ای از آثار و کارکردها، رفته رفته زمینه به حاشیه رفتن دین و کاهش دخالت آن در عرصه‌های اجتماعی حیات جمعی را فراهم می‌سازد؛ فراز گونه‌های عقل‌گرا و نظری، به دلیل بی‌اعتنایی به جنبه‌های عاطفی و احساسی دین‌داری، عملاً دین را از دسترس توده‌ها خارج و آن را به یک پدیده‌نخبه‌گانی و مورد دغدغه‌خواص تبدیل می‌کند؛ فراز دینداری سنتی و عامیانه نیز دین را رفته رفته از سپهر نظارت و مراقبت علما خارج ساخته و آن را جولانگاه دخل و تصرفات بی‌حساب عوام الناس قرار می‌دهد، بدیهی است که چنین موقعیتی رفته رفته، فرهنگ و معارف دینی را آکنده از انواع خرافات و بدعت‌ها خواهد ساخت. در سطوح خرد نیز این فرازو فرودها بالقوه پیامدهای آسیبی مختلفی را در سطوح فرهنگی اجتماعی رقم می‌زند. برای مثال، منزوی ساختن مراجع دینی و تضعیف جایگاه روحانیت متعهد رفته رفته به تقویت جایگاه مداحان و صدرنشینی آنها، جدایی تدریجی مداحان از عالمان و اندیشمندان دین، غلبه سطحی‌نگری و هیجان‌گرایی و در نهایت انحطاط فرهنگ دینی و نخبه‌گریزی آن خواهد شد؛ چه اینکه دین‌گرایی ولایی و محبتی نیز استعداد بالایی برای عاطفه‌ورزی خام، رواج غلو در بیان مناقب ائمه (ع)، افراط‌گرایی رفتاری، دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، و محکومیت نظام اسلامی به دلیل تلاش در جهت ایجاد و تقویت وحدت میان امت اسلام منجر خواهد شد. گونه‌هایی از دینداری که تکثرگرایی و اختلاف‌قرائت‌ها را امری مجاز و بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌شمردند؛ نیزخواست‌ها یا ناخواست‌ها، زمینه تفرق و چندپارگی جامعه را فراهم می‌سازند. گونه‌هایی که بر منجی‌گرایی و موعودگرایی تاکید افراطی دارند، عملاً هر نوع تحول بنیادین در جامعه را به ظهور منجی

موکول کرده و علاوه بر تعطیلی دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، عملاً نظام اسلامی را نیز که پیش از موعد قطعی علم حاکمیت دین باوران برافراشته و ظهور را به تعویق انداخته، محکوم می کنند و...

۴) هر کدام از گونه های دین داری در مواجهه با چه پدیده هایی ایجاد چالش می کند یا به چالش کشیده می شود؟

این سوال نیز با سوال قبل قدری هم پوشانی و ابهام دارد. اجمالاً می توان گفت که برای مثال، دین داری عرفانی به دلیل تاکید بر معنویت اصیل درون دینی، با معنویت های بی مایه و شریعت گریزنو ظهور؛ دین داری عامیانه و توده ای با دین داری عقلانی و عالمانه؛ دین داری رفتار گرا و مناسکی با دین داری خردگرا و اندیشه ورز؛ دین داری فقه محور و شریعت مدار با دین داری اخلاقی (چالش های موضعی)؛ دین داری فقیهانه طالب تشکیل حکومت دینی و جامعه سازی با دین داری سکولار؛ دین داری فردگرا و شخص محور با دین داری جمع گرا و اجتماع محور؛ دین داری عاطفی و احساسی با دین داری متاملانه و معرفت اندیش؛ دین داری مرجع محور با دین داری شخصی و خود مرجع؛ دین داری مبتنی بر ابعاد اگزیستانس و تعالی بخش دین با دین داری کارکردگرا؛ دین داری مبتنی بر عقلانیت ذاتی و ارزشی دین با دین داری مبتنی بر عقلانیت ابزاری (و هدف وسیله ای)؛ دین داری انقلابی و جهادگر با دین داری عافیت طلبانه و انزوایی؛ دین داری مبتنی بر تلقی جهان شمول از دین (توجه به مصالح جهانیان یا دست کم مسلمین جهان) با دین داری بومی و محصور در مرزهای ملی؛ دین داری حداکثری (قائل به جواز و بلکه لزوم دخالت دین در همه امور فردی و اجتماعی) با دین داری حداقلی (محدودسازی حوزه دخالت دین به اموری فرد مثل رابطه فرد با خود، خدا و طبیعت)؛ و... در تقابل و چالش قرار خواهند گرفت.

۵) هر کدام از گونه های دین داری چه ظرفیت ها و فرصت هایی را برای تقویت بنیان های امنیت ملی ایجاد می کند؟ بدیهی است که گونه های دین داری هر قدر به سمت رسمی شدن و جذب حداکثری توده ها میل کنند و پیش بینی پذیری بیشتری داشته باشند، قاعدتاً زمینه بیشتری برای انسجام و همبستگی اجتماعی به عنوان یکی از ملزومات امنیت ملی فراهم می آورند. در مقابل، جریاناتی که بر معنویت گرایی صرف، و شخصی شدن دین داری تاکید دارند و به اتمیزه شدن و جدایی از جمع ترغیب می کنند، عملاً به تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی کمک می کنند. دین داری معنویت گرا و سکولار به دلیل ایجاد محدودیت در مسیر نقش آفرینی اجتماعی دین، امکان کمتری برای بهره گیری از ظرفیت های وحدت آفرین دین در میان اقشار مختلف در اختیار دارند. تردیدی

نیست که از دید برخی جامعه‌شناسان، دین در ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی نقش برجسته و بلکه از جهاتی بی‌بدیل دارد. همچنین دین داری اخلاقی به دلیل اخلاق محوری و تلاش در جهت افزایش نصاب اخلاقی زیستن جامعه، نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب‌ها و انحرافات اخلاقی دارد؛ این نوع دینداری همچنین برترغیب عموم به ارائه خدمات انسانی و کمک‌های نوع دوستانه و در نتیجه کاهش فاصله‌های طبقاتی، نقش محوری دارد. همچنین دین داری عاطفی و ولایی به دلیل تاکید قاطع بر نقش الگوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، مومنان از توجه به سایر گروه‌های مرجع و دیگران مهم برحذر داشته و به اقتدا و تمسک به این انوار مقدسه ترغیب می‌کند؛ دین داری معنوی و عارفانه نیز به دلیل تاکید مبرم بر نقش بلامنزاع دین در ترغیب عموم به سلوک معنوی و تهذیب و تزکیه نفسانی، زمینه همسویی بیشتر آنها با جامعه و مشارکت هر چه بیشتر در سازندگی آن را فراهم می‌سازد؛ دینداری سنتی، عامیانه و مناسک‌گرا به دلیل تاکید که بر اجرایی شدن دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد، تا حد زیاد می‌تواند از ظهور آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی جلوگیری کرده و ضریب امنیت اجتماعی را افزایش دهند. بالطبع آن نوع دینداری (فقیهانه، کلامی، مناسکی) که بر حکومت داری دین تاکید دارد، مومنان را به تلاش در برپایی حکومت دین و تامین ملزومات آن ترغیب و تحریص می‌کند. دینداری عقلانی، روشنفکرانه و انتقادی، به دلیل فقدان جاذبه برای توده‌ها، رفته رفته زمینه تضعیف دین داری و دین باوری عموم را فراهم ساخته و آنها را برای دست یازیدن به گناه و انحراف جری می‌سازد و...

## ۶) آینده دین‌داری ایرانیان را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پیش‌بینی آینده تابع وضعیت‌ها و کیفیت وجودی چند متغیر در عرصه فرهنگی اجتماعی کشور است مثل ظهور و عرضه قرائت‌های جدید از برخی آموزه‌های ناهمسو با اقتضائات زمانه، موقعیت و عملکرد جریان روشنفکری دینی، عملکرد نظام اسلامی بویژه در عرصه مدیریت داخلی، کنشگری روحانیت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، انشعابات درونی روحانیت، نحوه عملکرد رقبا، نحوه تعامل استکبار جهانی با نظام اسلامی، موقعیت ما در جامعه جهانی، نحوه تعامل سنت و مدرنیسم، میزان همراهی مردم با نظام اسلامی، توان نظام اسلامی در توجیه عملکرد خود، میزان موفقیت نظام در حل مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، میزان موفقیت نظام در تحقق آرمانهای انقلاب بویژه آرمان عدالت خواهی، نحوه تعامل با مخالفان و منتقدان و...

به طور کلی و با الهام از برخی مطالعات میدانی انجام شده در سنوات اخیر، آینده دینداری در جامعه ایران، احتمالاً چنین وضعیتی را به نمایش خواهد گذاشت:



میل به معنویت گرایی به جای دینداری رسمی (از جمله معنویت های نوظهور، تفاوت های چندگانه ای میان دین ورزی بویژه از نوع رسمی آن با معنویت گرایی وجود دارد که در جای خود تذکر یافته است)، رشد دینداری عاطفی احساسی به جای دینداری عقلی و استدلالی، رشد دین داری اقناعی و خطابی به جای دین داری تعلیمی و مدرسی، گزینشی شدن دینداری (انتخاب و ترجیح ابعادی از دینداری و کناره نهادن سایر ابعاد) مثل اعتقاد به دین در بخش معارف غیبی و متافیزیکی و وانهادن آن در عرصه امور فیزیکی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛ رشد دینداری های ترکیبی و التقاطی (عناصر این ترکیب ممکن است از سایر ادیان یا مکاتب و ایدئولوژیهای بشری اقتباس شود) مثل سوسیالیسم اسلامی، فمینیسم اسلامی و...؛ رشد دین داری فردی و شخصی در مقابل دینداری دارای ابعاد فرهنگی اجتماعی، رشد توجه به جنبه های کارکردی دین به جای جنبه های اگریستانس و تعالی بخش آن، کاهش نقش هویت بخش دین، رویش گروهها و جریانات دینی نوظهور و متنوع با باورها، ارزشها، گرایش ها و مناسک فرقه ای؛ برجسته شدن نقش گروهها و نحله های شبه دینی (گروههای دارای مرام های ایدئولوژیک)، موقعیت یابی بیشتر قرائت های روشنفکرانه و انتقادی از دین، تقویت و گسترش ارتباطات توده ای روشنفکران، قدرت یابی جریانات خردوحاشیه ای در مقابل گفتمان های رسمی، کنار آمدن بیشتر فرهنگ دینی با فرهنگ مدرن (انعطاف بیشتر به نفع مدرنیته)، قدرت یابی بیشتر گروههای افراطی (بویژه در عرصه سیاسی)، رشد گرایش به اخلاق جهانی و سبک های زندگی دارای رواج و مقبولیت همگانی، مرجعیت گریزی (کاهش اقتدار و کارایی مراجع تقلید)، ظهور مراجع نو اندیش و غیرحاکمیتی، کاهش موقعیت سنتی و فعلی روحانیت و محدود شدن قلمرو نقش آفرینی آن، موقعیت یابی روحانیت نو اندیش و مردمی، تقویت نگاه انتقادی به دینداری سنتی، تحول در نظام آموزشی حوزه ها و علوم دینی و تخصصی شدن هرچه بیشتر این علوم، نهایی شدن پروژه اسلامی سازی علوم انسانی یا تولید علوم انسانی اسلامی، افزایش وابستگی اقتصادی حوزه های علمیه به دولت، افزایش همکاری حوزه های علمیه با سایر نهادهای آموزشی و تبلیغی وابسته به سایر مذاهب اسلامی و نیز مسیحیت، رشد جریان مداحی گری (غصب منابر) و کالایی شدن پدیده مداحی، رشد مناسک گرایی دینی (بویژه مناسک جمعی و دارای ماهیت کارناوالی)، تمایل به مناسک سازی جدید از برخی ظرفیت های خاموش فرهنگ دینی با هدف عمومیت بخشی بدان، غلبه جنبه های فراغتی و سرگرم کنندگی مجالس، ضعف توان در ترویج و تغلیب سبک زندگی دینی (به دلیل سلطه جهانی و غلبه فرهنگی)، تضعیف اعتقاد و امید به کارآمدی دین در عرصه های حکومتی و جامعه سازی، کاهش تمایزات الگویی حکومت دینی از سایر الگوهای حاکمیتی (دست کم در ذهنیت عموم)، تضعیف نقش نهادها و سازمانهای دینی در هدایت افکار، عقاید و کنش های مومنان؛ استفاده ابزاری از آموزه ها و مجالس مذهبی در پیشبرد اغراض سیاسی، رشد فزاینده سکولاریسم پنهان، موقعیت یابی بیشتر زنان (بویژه در پست

های مدیریتی)، رشد منجی گرایی و مهدویت گرایی، رشد درمان گرایی دینی (میل به استفاده از ادعیه و ظرفیت های معنوی دین برای درمان برخی امراض روحی)، توجه بیشتر به طب اسلامی، کاهش انگیزه برای دامن زدن به اختلافات فرقه ای، بی اعتنائی بیشتر مردم به اجرایی شدن عملی دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تقویت نقش نهادهای حاکمیتی در این خصوص، تکثیر بی رویه هیئات و بروز رقابت های غیرقابل توجه میان آنها، تکثیر هیئات خانگی زنانه، تشدید فعالیت های ساختارشکنانه شیعه انگلیسی، دامن زدن نظری و عملی به انگاره جدایی دین از سیاست، ترجیح تمایلات ملیت گرایانه و ناسیونالیستی بر تمایلات جهانشمول گرایانه دینی، زمینه یابی بیشتر دگراندیشان در عرصه های فرهنگی اجتماعی، تشدید برخی شکاف های اجتماعی و منازعات قومی و مذهبی، افزایش روزمره نارضایتی ها از عملکرد مدیران نظام، تقویت احساس بی تفاوتی در اقشار مختلف جامعه، کاهش میزان امید و اعتماد در جامعه (کاهش سرمایه اجتماعی)، استفاده گسترده و کنترل ناپذیر جریانات مختلف مذهبی از فضای سایبر و شبکه های اجتماعی و دامن زدن به تقابل با گروههای رقیب، افزایش روحیه منجی گرایی تحت تاثیر بحرانهای لاینحل اجتماعی، بالارفتن میزان آسیب ها و انحرافات اجتماعی و...

#### ۷) حاکمیت و نهادها و سازمان های دینی چه اثری بر دین داری تا کنون داشته اند و باید چگونه حرکت کنند؟

حاکمیت اسلامی با میانجی نهادها و سازمان های دینی و فرهنگی وابسته و مستقل تاکنون اقدامات متنوع و گسترده ای را در راستای تقویت دینداری و فرهنگ دینی جامعه اسلامی ایران و حتی برخی جوامع مرتبط مثل سوریه، عراق، افغانستان، لبنان و برخی کشورهای افریقایی صورت داده اند، اگرچه این سنخ اقدامات به دلیل ماهیت کیفی هم دیر به نتیجه می رسند و هم معیار روشنی برای ارزیابی و سنجش آنها وجود ندارد. برخی از این اقدامات را می توان در چارچوب مفاهیم زیر عنوان بندی کرد: بسط و توزیع، تحکیم و تقویت، اصلاح و تعدیل، تغییر و تبدیل، ایجاد حساسیت مثبت، ترغیب به عملیاتی سازی آموزه ها، پاسخ به سوالات و شبهات، پیرایه زدایی، تولید و ارائه آثار مکتوب، صوتی و تصویری، در قلمرو گسترده دینداری و فرهنگ دینی. و اما در پاسخ به قسمت دوم سوال فوق نیز می توان به نکاتی از این دست توجه داد:

تمرکز گرایی و پایان دادن به پراکنده کاری و موازی کاری سازمان های فرهنگی، تقویت ابعاد کمی و کیفی روندهای آموزش معارف دین در مدارس و دانشگاهها، تقویت تبلیغ دین از طریق رسانه ملی و رسانه های جهانگستر (برای مخاطبان بیرونی)، تاسیس شبکه های رادیو و تلویزیونی چند زیانه برای تبلیغ دین در گستره جهانی، سامان دهی به وضعیت آشفته تبلیغات دینی و تقویت زمینه های تبلیغ سنتی دین در گستره اجتماع، تقویت زمینه های تبلیغ دین

در جامعه جهانی بویژه برای ارتقا موقعیت شیعیان جهان، تقویت امکانات آموزشی، پژوهشی، لجستیکی، مالی و رفاهی حوزه های علمیه، بسط و تقویت حوزه های علمیه خواهران، سوق دادن حوزه ها به تخصصی شدن رشته های مختلف معارف دینی، تقویت زمینه های اسلامی سازی علوم انسانی یا تولید علوم انسانی - اسلامی، ایجاد و تقویت مراکز علمی - پژوهشی مکمل حوزه های علمیه، تقویت کرسی های نظریه پردازی در حوزه ها و دانشگاهها با محوریت موضوعات دینی و مرتبط با آن، جذب و تزریق کمیت قابل توجهی از روحانیون آموزش دیده و متخصص در مناصب خاصی از حاکمیت که رسالت تبلیغی ایشان اقتضا می کند، ارتقا موقعیت و کارایی نهاد نمایندگی رهبری در سازمانهای مختلف بویژه در دانشگاهها و سازمانهای نظامی و انتظامی، ساماندهی به آرمان وحدت حوزه و دانشگاه، ساماندهی به وضعیت تلاش در جهت اصلاح قوانین مطابق با احکام شریعت، ایجاد زمینه برای رشد کمی و کیفی محصولات فرهنگی دین محور (کتاب، نشریه، نرم افزار، فیلم، سریال، کارتن، موسیقی و...)، تقویت برخی ارزش ها و هنجارهای دینی در گستره فرهنگ عمومی، مبارزه با برخی گروهها و فرقه های انحرافی، مدارا با جریانات دگراندیش و روشنفکری دینی، رونق بخشی برخی مناسک جمعی از طریق اعمال برخی اصلاحات مثل نمازهای جماعت و جمعه، تقویت زمینه های وقوعی مناسکی همچون اعتکاف، ارتقای فرهنگ وقف و سامان دهی به وضعیت موقوفات و امام زاده، تقویت جایگاه حج ابراهیمی، تقویت فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت، ایجاد و تقویت برخی سازمانهای خدماتی برای رسیدگی جدی به امور فقرا و نیازمندان جامعه، ایجاد زمینه برای نفوذ دین و احکام دینی در عرصه های مختلف تحت نفوذ حاکمیت، نظارت بر فرایندهای عمومی دینداری و فرهنگ دینی، تقویت زمینه های وحدت و همدلی میان اقوام مختلف ایرانی، تقویت پیوندهای مذهبی میان شیعه و سنی در داخل و در جهان اسلام، تقویت کانونهای فرهنگی بویژه کانونهای قرآنی، بسط و تقویت کتابخانه های عمومی، تخصصی و نیمه تخصصی در سراسر کشور، تمهید و بسط امکانات فراغتی و تفریحی برای عموم بویژه قشر جوان، رونق بخشی به جشن ها و مناسبت های شاد مذهبی در کنار هیئات و سوکواریها، اهتمام به نیازهای معنوی توده ها، تقویت نهاد خانواده و مهار روند فزاینده طلاق، تمهیدات اصولی در مبارزه با روند فزاینده آسیب ها و انحرافات اجتماعی، کنترل روند فزاینده خروج نخبه گان از کشور و ایجاد زمینه برای جذب حداکثری آنها از خارج و...

۸) راهکار شما برای حرکت دین داری ایرانیان به سمت دین داری جامع و متعادل و مطابق با سیاست های اصلی نظام چیست؟

این سوال نیز تا حدی با سوال قبل هم پوشانی دارد. به زعم من اقداماتی از این دست می تواند هدف مذکور را به میزانی محقق سازد: اصلاح نظام مدیریتی حوزه های علمیه، اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی حوزه و مراکز دانشگاهی همسو با رسالت تعلیمی، تبلیغی و پژوهشی حوزه، اصلاح نظام تربیتی و پرورشی حوزه ها، اصلاح نظام اجتهاد، اصلاح نظام مرجعیت سنتی، اهتمام به پژوهش های دینی روشمند و دارای استانداردهای لازم، بهره گیری حداکثری از یافته های علوم انسانی و علوم اجتماعی جدید، بازبینی و تصحیح برخی قرائت های ضعیف و ناصواب از آموزه های دینی، تقویت خردگرایی دینی و رویکردهای عقلی انتقادی، اهتمام جدی به رعایت اقتضائات زمان و مکان در پژوهش ها و فتاوی دینی، تعدیل مواضع حداکثری و طرح توقعات بی حساب از دین و تعالیم دینی، همکاری وثیق میان مراکز متولی فرهنگ دینی، تقویت ارتباط با مراکز علمی مذهبی در جهان، اهتمام به مطالعه دین در مقام تحقق یا دین عینیت یافته در گستره اجتماع با رویکردهای جامعه شناختی، نظارت و مراقبت از قائمه ها و بنیادهای فرهنگ دینی، بهره گیری حداکثری از رسانه های جمعی و اجتماعی، گفتمان سازی با تاکید بر مشترکات، سامان دهی به نظام تبلیغات دینی، تولید محصولات فرهنگی متناسب با ذائقه های متنوع مخاطبان، مبارزه با گروه های افراطی و خودسر در عرصه تبلیغات دینی و ارتباطات توده ای، مبارزه با بدعت ها و خرافات، محدودسازی دخالت روحانیون در مناصبی که چندان به رسالت تبلیغی آنها ارتباطی ندارد، استقلال حداکثری حوزه های علمیه، پایان دادن به تعارضات مصنوعی میان اسلامیت و ایرانیت، لزوم توجه به ساختارهای اجتماعی واقتضائات آن، پویاسازی فقه متناسب با اقتضائات زمان و مکان، سوق دادن فقه فتوایی به فقه تقنینی، انعطاف در تغییر فتاوا و قرائت های ناهمسو با اقتضائات زمانه، فعال سازی ظرفیت های اخلاقی فقه، اهتمام به تحقق آرمان عدالت در سطوح مختلف نظام، افزایش میزان پایبندی مسئولان نظام به رعایت احکام شریعت، مبارزه قاطع با فساد ساختاری در نظام و مظاهر مختلف آن، کاستن دخالت سیاست در قلمرو دین، اهتمام به موضوع تعهد در کنار تخصص در گزینش ها، به رسمیت شناختن درجاتی از تکثرگرایی دینی، رعایت حقوق اقلیت های مذهبی، سامان دهی به فرایند اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطوح مختلف، توجه دادن به نقش دینداری در کلیت زندگی، احیاء و تقویت سبک یا سبک های زندگی دینی، احیای سیره و سنت اخلاقی ائمه اطهار(ع)، توجه به نیازهای اساسی و متنوع توده ها به اقتضای جهان مدرن، تقویت توأمان رویکردهای تبشیری و اندازی در فرهنگ دینی، تقویت فرایندهای نظارت و کنترل اجتماعی، الگوسازی از زندگی شخصیت های بزرگ و محبوب و کاستن سلطه ناصواب سلبریت ها در افکار عمومی، تقویت زیرساخت ها برای فعال سازی شبکه ملی اطلاعات، تقویت ارتباطات همه جانبه با جامعه جهانی، تقویت روابط با کشورهای اسلامی منطقه، تسهیل زمینه های لازم برای ازدواج جوانان و تشکیل خانواده، رفع مشکل بیکاری، کنترل بازار و روند لجام گسیخته قیمت ها،

پایان دادن به افت کنترل ناپذیر ارزش پول ملی، ، پایان دادن به بی اعتباری گذرنامه ایرانی در جامعه جهانی، جذب سرمایه های ایرانیان خارج از کشور، توجه جدی به آسیب های فرهنگی تهدید کننده نسل جوان، احیاء و تقویت فرهنگ مطالعه در سطوح مختلف، مبارزه همه جانبه با تهاجم فرهنگی دشمن و...